



سه شنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۳۷۰

ورزشی

گزارش

به بهانه درخشش زنان فوتباللیست ایرانی در اردن
شکوه بی مرز



وقتی دختران ایران در سکوت رسانه‌ای و در سایه همه بحران‌های امنیتی ناشی از جنگ ۱۲ روزه راهی زمین اردن شدند، کمتر کسی تصور می‌کرد این سفر پرخطر به یکی از مهم‌ترین لحظه‌های تاریخ فوتبال زنان کشور تبدیل شود. شیی که توپ از خط دروازه حریف عبور کرد و پرچم ایران برای دومین بار متوالی در میان تیم‌های برگزیده آسیا به اهتزاز درآمد، معنای واقعی اراده، اتحاد و شجاعت آشکار شد؛ صعودی که نه فقط یک پیروزی ورزشی که نمادی از امید و مقاومت بود.

■ فراتر از مسابقه عادی
جدال با اردن تنها یک بازی فوتبال نبود. این رقابت، آزمونی بود برای سنجش عیار تیمی که هنوز در حال ساختن هویتی تازه است. اردنی‌ها در سال‌های اخیر برای توسعه فوتبال زنان سرمایه‌گذاری‌های بزرگی انجام داده بودند و در خانه خود با حمایت تماشاگران پرشمار، به‌دنبال تثبیت جایگاه‌شان در قاره بودند اما وقتی سوت پایان بازی به صدا درآمد، رؤیای صعود آنها را دیگر بر دیوار مستحکم ایران شکست، درست مانند ۴ سال قبل، باز هم همان داستان تکرار شد و اردن مجبور شد حسرت حضور در معتبرترین آوردگاه آسیایی را بکشد. ایران با همین برد تعیین‌کننده، صدر جدول گروه خود را تصاحب کرد و بلایت حضور در مرحله نهایی جام ملت‌ها در استرالیا را گرفت، جایی که از مارس ۲۰۲۶ بهترین تیم‌های قاره کهن روبروی هم صف‌آرایی خواهند کرد.

■ صعود از دل بحران
شاید هیچ‌کس ندانند این پیروزی چه مسیری را پشت سر گذاشت، منطقه در تب و تاب جنگ بود، تهدیدهای امنیتی سایه سنگینی روی سفر تیم انداخته بود و لغو پروازها برنامه اعزام را تا لحظه آخر در ابهام فروبرده بود. در چنین شرایطی حتی فکر رفتن به اردن برای بسیاری غیرممکن بود اما دختران ایران، با وجود ذهن آشفته و تمرینات کوتاه، تصمیم گرفتند برخلاف همه احتمالات بجنگند. آنها میدان را با انگیزه‌ای مضاعف ترک کردند؛ گویی هر پاس و هر دودین‌شان پاسخی بود به همه آنهایی که باور نداشتند این تیم می‌تواند دوباره به قله برسد.

■ مربی جدید، راه تازه
مرضیه جعفری، مربی‌ای که فقط چند هفته قبل از این مسابقه روی نیمکت تیم ملی نشست، نقش اصلی را در شکل‌گیری این اتفاق داشت. او فرصت کافی برای اردوهای طولانی با بازی‌های دوستانه با حریفان قدرتمند را نداشت و تنها ۲ دیدار سبک برابر عراق در برنامه آماده‌سازی گنج‌جاده شد اما جعفری نشان داد موفقیت فقط محصول تمرین نیست، بلکه از ایمان به کار تیمی و ایجاد همدلی در دل بازیکنان می‌آید.
او با آرامش و مدیریت روانی فوق‌العاده، بازیکنان پراکنده را به یک گروه متحد بدل کرد. تاکتیک‌های ساده اما هوشمندانه‌اش باعث شد تیم در زمین منسجم و سرسخت به نظر برسد؛ تیمی که هر چند در ظاهر کم‌تجربه بود اما در بزمگاه‌ها واکنش‌های بزرگ داشت.

■ ستاره‌های نسل جدید
این تیم، فقط نام‌های تکراری را با خود نیاورده بود. در ترکیب فعلی، نسلی جوان و پرنرژی دیده می‌شود که مهارت فردی را با درک درک دردت از فوتبال تیمی ترکیب کرده است. بازیکنانی که علاوه بر تکنیک، روحیه‌ای مقاوم دارند و از لحظه‌های سخت نمی‌ترسند. کنار آنها، چند چهره باتجربه هم حضور داشتند که مثل ستون‌های اصلی تیم، مسؤولیت انتقال تجربه را بر عهده گرفتند و تعادل تاکتیکی را حفظ کردند.
این ترکیب هوشمندانه از جوانی و تجربه، ایران را به تیمی بدل کرد که می‌تواند نه فقط در مرحله گروهی، بلکه حتی در مرحله اصلی جام ملت‌ها هم چشم‌ها را خیره کند.

■ گامی بزرگ‌تر از فوتبال
این موفقیت، فقط یک برد برای ثبت در جدول نیست. در سال‌های نه‌چندان دور، حضور در رقابت‌های رسمی آسیایی برای فوتبال زنان کشور یک آرزوی محال به‌نظر می‌رسید اما امروز ایران دومین صعود پیاپی خود را جشن می‌گیرد و دوشادوش تیم‌هایی مثل ژاپن، چین، کره‌جنوبی و استرالیا می‌ایستد.
حضور در استرالیا و تجربه رقابت در ورزشگاه‌های سیدنی، گلدکست و برث، فرصتی استثنایی برای پیشرفت فردی و تیمی بازیکنان است. جام ملت‌های آسیا از ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ تا اول فروردین ۱۴۰۵ برگزار خواهد شد و ایران با انگیزه‌ای تازه وارد این تورنمنت می‌شود؛ انگیزه‌ای که از دل سختی‌ها متولد شده و حالا می‌خواهد فراتر از رؤیاها حرکت کند.

صعود به آسیا پایان ماجرا نیست؛ این فقط فصل جدیدی از ماجراجویی تیم ملی است. حالا باید اردوهای فشرده‌تری برگزار شود، بازی‌های تدارکاتی با تیم‌های تراز اول آسیا و حتی اروپا در برنامه قرار بگیرد و ساختار تیم تقویت شود.

اما آنچه دلگرم‌کننده است، روحیه بازیکنانی است که نشان دادند حتی در دشوارترین شرایط هم می‌توانند از فرصت‌های کوچک، پیروزی‌های بزرگ بسازند.
به هدایت دقیق کادر فنی، حمایت رسانه‌ها و توجه مدیران ورزشی، بعید نیست همین تیم جوان و تازه‌جان گرفته در جام ملت‌های آسیا نتایجی خلق کند که فوتبال زنان ایران را برای همیشه در نقشه قاره حک کند.

شاید روزی برسد که داستان این صعود، تنها یک مقدمه باشد؛ مقدمه‌ای برای دستاوردهای بزرگ‌تر، فراتر از انتظارات و در شأن نسلی که از هیچ، همه چیز ساخت.

سر درگمی سرخ‌ها در ترکیه در مواجهه با تکمیل لیست بازیکنان

معمای عجیب هاشمیان

هر روز که می‌گذرد، تیم‌های رقیب هماهنگ‌تر می‌شوند و سرخ‌ها همچنان در مرحله تصمیم‌گیری گیر کرده‌اند. اگر انتخاب‌های نقل‌وانتقالاتی دیر انجام شود، بازیکنان تازه فرصت هماهنگی تاکتیکی را از دست می‌دهند و این موضوع در هفته‌های نخست، تیم را آسیب‌پذیر می‌کند.
باشگاه اما تأکید دارد کار در سکوت پیش می‌رود و خبرهای خوشی در راه است. با این حال، تجربه ثابت کرده خریدهای دقیقه ۹۰ همیشه ریسک بالایی دارند.

■ چشم‌انداز پیش‌فصل
در ترکیه، تمرینات فشرده بدنسازی ادامه دارد و بازیکنان از لحاظ آمادگی جسمانی در حال ارتقا هستند اما فضای تیمی همچنان ملتهب است؛ همه منتظرند ببینند کدام چهره ماندنی می‌شوند، و چه کسانی باید چمدان‌شان را جمع کنند.

هواداران پرسپولیس امیدوارند مدیریت باشگاه و هاشمیان، هرچه زودتر تصمیمات قاطع بگیرند. اگر ۳ خرید دقیق، درست و به‌موقع انجام شود و ۲ خروجی با تدبیر انتخاب شوند، می‌توان فصل تازه را با کمترین آسیب آغاز کرد. در غیر این صورت، فصل جدید برای سرخ‌ها چیزی جز شروعی پر از استرس و فشار نخواهد بود. اردوی ترکیه فقط یک مرحله تمرینی نیست؛ صحنه‌ای است برای آزمون مدیریت بحران. پرسپولیس اکنون بیش از هر زمان دیگر نیاز به آرامش و تصمیمات حساب‌شده دارد. سرمربی تازه‌نفس تیم باید بداند هر انتخاب او، می‌تواند سرنوشت یک فصل را تغییر دهد.

۳ خرید تازه، ۲ خروجی قطعی و یک فهرست پر از نام‌های در انتظار تعیین تکلیف؛ این خلاصه مأموریت بزرگ وحید هاشمیان در روزهای پرهیاهوی تابستان است. او اگر بتواند از این گردنه عبور کند، شاید مسیر هموارتری در طول فصل داشته باشد.

همیشه حساسیت‌های خودش را داشته، چرا که هر تصمیمی، طرفداران و منتقدانی دارد.

■ نیاز فوری در قلب دفاع
پرسپولیس حالا دقیقاً در همان نقطه‌ای ایستاده که سال‌ها قبل استقلال درگیرش شد: ضعف در خط دفاع و ترافیک عجیب در خطوط کناری. اگر ۲ مدافع باکیفیت جذب نشوند، کل برنامه‌های تاکتیکی هاشمیان به هم می‌ریزد. این تیم نیاز دارد یک دفاع راست مطمئن بیاورد تا خیالش از پوشش جناحین راحت شود و یک مدافع میانی تازه تا نظم دفاعی احیا گردد. از سوی دیگر، سرخ‌ها هنوز یک مهاجم تمام‌کننده می‌خواهند؛ کسی که بتواند هم‌سطح ستاره‌های رقیب در لیگ باشد اما این پروژه هم هنوز به نتیجه نرسیده. با این شرایط، هواداران نگران هستند تیم محبوب‌شان در روزهای آغازین لیگ، با کمبودهای آشکار وارد میدان شود.

■ کار دشوار برای سرمربی تازه‌کار
هرچند وحید هاشمیان تجربه مربیگری در تیم ملی را دارد اما این نخستین‌بار است که در قامت نفر اول یک تیم چنین حجمی از مسؤولیت را به دوش می‌کشد. او باید هم‌زمان هم روان تیم را آماده کند، هم ساختار تاکتیکی تازه‌ای بسازد و هم تصمیمات سنگینی درباره آینده چند بازیکن اتخاذ کند.
در فوتبال ایران، کنار گذاشتن حتی یک بازیکن معمولی می‌تواند حاشیه‌ساز شود؛ حالا تصور کنید قرار است ۲ نفر از فهرست رسمی خط بخورند و ۳ چهره تازه – احتمالاً خارجی – وارد تیم شوند. همه اینها یعنی آغاز فصل برای هاشمیان، چیزی کمتر از میدان مین نخواهد بود.
■ زمان در حال اتمام است
تقویم نشان می‌دهد تا شروع لیگ فرصت زیادی نمانده.

در ایران را زد. گولسیانی هم تمدید نکرد و حالا قلب دفاع سرخ‌ها خالی‌تر از همیشه است.
پرسپولیس حتی یک مدافع میانی تازه جذب نکرده و این موضوع در مقایسه با ترافیک سنگین خط هافبک، تناقضی عجیب است. هاشمیان بی‌تردید این موضوع را در نخستین جلسات تمرینی لمس کرده و خوب می‌داند بدون ترمیم این خط، فصل آینده با بحران شروع می‌شود.

■ ۳ خانه خالی اما فقط یک صندلی
باشگاه اعلام کرده ۳ بازیکن جدید وارد خواهند شد؛ ۲ نفر در خط دفاع، یک نفر در خط حمله اما مشکل این است که فهرست بزرگسالان فقط یک جای خالی دارد. یعنی اگر ۳ چهره تازه وارد شوند، باید دست‌کم ۲ بازیکن فعلی قربانی شوند.
هاشمیان فعلاً درباره گزینه‌های معرفی‌شده موضع صریح نگرفته. نزدیکان باشگاه خبر می‌دهند نزدیک به ۴۰ بازیکن، چه داخلی چه خارجی، به او پیشنهاد شده‌اند اما هیچ‌کدام مهر تأیید نخورده‌اند. زمان اما در حال تمام شدن است و لیگ برتر نزدیک‌تر از آنی است که تصور می‌شود. دیر یا زود، هاشمیان مجبور است دست از وسواس بردارد و چند انتخاب قطعی کند.

■ تصمیم‌های سخت در اردو
اردوی ترکیه صرفاً برای آماده‌سازی بدنی نیست؛ فضای تیمی هم شکل می‌گیرد، نفرات اضافه شناسایی می‌شوند و چهره‌های کارآمدتر جایگاه بهتری پیدا می‌کنند. در این اردو، نگاه‌ها به ۵ بازیکن خاص دوخته شده است. برخی از آنها از فصل قبل کیفیت لازم را نشان نداده‌اند و برخی دیگر با مصدومیت یا افت فنی، نیمکت‌نشین بالقوه شده‌اند.
هاشمیان بخوبی می‌داند اگر ۳ بازیکن جدید بیایند، باید برای جا دادن‌شان، ۳ اسم را از فهرست خط بزند. کاری که در پرسپولیس

پرسپولیس در ترکیه روزهای عجیبی را سپری می‌کند؛ روزهایی که تنها تمرین و بدنسازی نیست، بلکه تصمیمات بزرگ و سرنوشت‌سازی پشت پرده جریان دارد. وحید هاشمیان، مربی‌ای که حالا بر نیمکت یک تیم بزرگ ایستاده است، انتخاب ترکیب و سیستم مطلوب و تعیین سرنوشت چند چهره قدیمی، وقتی چند هفته قبل، همکاری با السماعيل کارنال به پایان رسید، مدیران پرسپولیس بدون معطلی تصمیم گرفتند سکان هدایت تیم را به دست چهره‌ای بسپارند که هم کارنامه قابل قبولی دارد و هم نگاه تازه‌ای به فوتبال روز دنیا. هاشمیان روی کاغذ تمام ویژگی‌های یک سرمربی مقتدر را دارد اما روی زمین تمرین، حالا زمان آزمون واقعی است؛ زمانی که باید بین بقا و تغییر، انتخاب کند.

■ ترازوی به‌هم‌خورده نقل‌وانتقالات
روزهای آخر بهار، پرسپولیس هجومی نفس‌گیر در بازار نقل‌وانتقالات داشت؛ حتی قبل از پایان لیگ، قرارداد تیوی بی‌فوما قطعی شد و پس از آن رضا درویش، مدیرعامل باشگاه، موجی از خریدهای تازه را به راه انداخت اما توفان خرید، نگاهان به نسیمی آرام بدل شد. خبر از ۱۲ جذب جدید داده شد اما در ادامه سرعت کار کاهش یافت و رقبایی مثل سپاهان از آنها جلو زد.
بدتر از همه این بود که در ساختار تیم، ناهماهنگی‌های عجیبی شکل گرفت. در پست وینگر انباشت بازیکن رخ داد اما در دفاع، حفره‌های بزرگی به جاماند جدایی ایوب عملود و بعد فرشاد فرجی بدون جذب جانشین، ضربه سنگینی بود. همه تصور می‌کردند فلورنت هاردوئای قطعی است اما او هم در لحظه آخر قید حضور



یعنی روسای این غول عظیم نفتی داشته و دارد. مگر می‌توان ضعف و ناکارآمدی مدیران استقلال را دید و نقش انتخاب‌کننده این افراد ضعیف و ناکارآمد را ندیده انگاشت؟ مگر می‌توان تداوم این ناکارآمدی‌ها و عواقب ناشی از آن دیده شود ولی تصور کرد که تیم‌های استقلال و پرسپولیس در این شرایط، واقعاً غماض واقع شود؟ در یک کلام مگر می‌شود نقش و قصور ریاست هلدینگ را در بی‌کفایتی مدیران منصوبش انکار کرد؟

فقط غافل نباشیم که پیش‌تر از مدیریت و هیات مدیره استقلال، شرعیتمداری در ایجاد این شرایط اسفناک مقصر است.

خسارات ناشی از آن همچنان تداوم داشته باشد، نباید از قصور مافوق آن غافل ماند. همچنان که وقتی بازیکنی با تیمی بد عمل کند، مربی آن نخستین مقصر است، موقعی که مجموعه مدیریتی و مدیر مجموعه‌ای هم بد عمل کند، نخستین مقصر متوجه انتخاب‌کننده و فرمانده آنان می‌شود و در این تردیدی نیست و بر همین اصل مسبب و مقصر نخست اوضاع آشفته باشگاه استقلال، شخص شرعیتمداری است.

بدون تعارف آنچه از مالکیت و مدیریت هلدینگ مذکور بر باشگاه استقلال در هر ۲ دوره (علی‌عسکری و شرعیتمداری) دیدیم نشان از فقدان تخصص و تعهد نزد تصمیم‌گیران اصلی

هلدینگ مقصر اصلی وضع اسفبار استقلال

فقدان تخصص و تعهد



هواداران شاکای از وضع اسفبار استقلال برای دومین بار مقابل این باشگاه تجمع و اعتراض خود به نحوه عملکرد مدیران استقلال را اینگونه ابراز کردند.
هیات مدیره و مدیرعامل فعلی استقلال که از دی‌ماه سال گذشته با حکم محمد شرعیتمداری، رئیس هلدینگ خلیج فارس، جایگزین هیات مدیره و مدیریت منفعل و ناکارآمد قبلی شده و زمام امور باشگاه استقلال را عهده‌دار شدند، از همان آغاز با وعده‌های بزرگ و زیبا، هواداران ناراضی و بی‌قرار این باشگاه را که امیدوار به اتفاقات خوب ورای این تغییرات بودند، سرگرم کردند و در واقع سسر کار گذاشتند! وعده‌هایی که گذشت زمان، پوچی آنها را نشان داد و پرداختن به ریز آن، تکرار مکررات است. هرچه زمان سپری شد ناامیدی اهالی فوتبال به این جمع مدیریتی که سلطان وعده‌ها هستند، بیش از پیش شد و آنان که تجربه بیشتری در این فوتبال داشتند هنگام استفاده بوزوویج به عنوان سرمربی استقلال، از این مدیران دست شسته و توفیق آبی‌پوشان با مدیریت این مجموعه را سرایی بیش نداشتند و الحق درست هم دانستند. ماه‌هاست فریاد هواداران استقلال و حتی اهالی فوتبال از تصمیمات و افکار یابیزدانه این مدیران و تأخیر در اقدامات عاجل و مورد نیاز بلند است اما آنچه به جایی نرسد فریاد است! حال که مشکلات مالی استقلال پس از سال‌ها حل شده است باز فقدان مدیریت صحیح و حضور مدیران کارنابلد شدت از سر این باشگاه بر نمی‌دارد و همچنان سوهان روح و روان این باشگاه است.

نظری جویباری در مقام مدیرعاملی استقلال و به پشتوانه سال‌ها حضور در ارکان مختلف استقلال، خود را متخصص تیم ساختن و تیم بستن می‌دانست و مدام این را به طرق گوناگون ابراز کرد اما پس از چند ماه معلوم شد وی فقط به درد فعالیت

در رده‌های میانی باشگاه و سطح صف می‌خورد نه ستاد، آن هم به شرطی که با گذشت زمان و تحولات نحوه باشگاهداری، منسوخ و به قولی دمده نشده باشد، اگر نه در مدیریت که نشان داد چیز خاصی برای عرضه ندارد، همچنان که رئیس هیات مدیره، علی تاجرنیا و سایر اعضای هیات مدیره فعلی! فارغ از نقش این افراد در ایجاد این اوضاع نگران‌کننده استقلال، مقصر اول شخص رئیس هلدینگ، محمد شرعیتمداری است. اوست که با انتخاب و انتصاب این مجموعه ناکارآمد، باعث این حال و روز استقلال شده است و اکنون نیز کشش نمی‌گردد چه بر سر این باشگاه آمده و می‌آید و گویی چشم و گوش خویش را بر احوال استقلال و اعتراض هوادارانش بسته است و انگار نگرانی‌ای هم بابت تضییع پول مجموعه تحت مدیریتش توسط منصوبانش ندارد!

حضور در مجموعه مدیریتی ۲ باشگاه استقلال و پرسپولیس حتی در زمان بی‌پولی‌شان، انقدر اغواکننده هست که هر کسی ولو بدون تخصص لازم قید آن را نزند، چه رسد به اکنون که این ۲ باشگاه به ۲ منبع مالی قریه متصل شده‌اند و تحقیق و تفحص کاملی نیز نسبت به دخل و خرج مالی آنها صورت نمی‌گیرد! پس در این فوتبال بی‌در و پیکر که پول‌های هنگفتی هم رد و بدل می‌شود، توقع بیجایی است قید حضور در چنین باشگاه‌هایی را زدن، مگر در شرایطی که ضابطه در عمل جانی رابطه را بگیرد و سیستمی درست بر آن حاکم شود که آن نیز فعلاً آرزویی است محال! فقط بیت‌المال این ملت در مضیقه است که در چنین شرایطی حاتم‌وار، هدر داده می‌شود. واقعا اگر ساز و کاری درست در کار بود، نباید چنین مدیرانی بابت چنین هدرهایی و زیر سوال بردن اعتبار چنین باشگاهی، حداقل عزل می‌شدند! اگر نه خود این افراد که دودستی میز خدمت را چسبیده‌اند؟! البته این معضل وجه مشترک مدیران سرخابی است!

وقتی مجموعه‌ای ناکارآمد عمل کند و این ناکارآمدی و

فعلاً خبری از تغییرات نیست

تاجرنیا سکوت را شکست

برای هواداران باشد: «به‌زودی بازیکنان جدیدی به تیم اضافه می‌شوند. چند روز آینده، شرایط نقل‌وانتقالات تغییر خواهد کرد و اتفاقاتی رخ می‌دهد که می‌تواند به سود استقلال باشد».

این «به‌زودی» همان عبارتی است که هفته‌هاست در استقلال شنیده می‌شود؛ وعده‌ای که باید دید این بار تحقق می‌یابد یا باز هم به فهرست انتظارهای بی‌پایان آبی‌ها اضافه می‌شود.

سکوت مدیریت استقلال فعلاً ادامه دارد اما پشت پرده خبرهایی در جریان است. نه تغییری در راس مدیریت رخ داده و نه لیست خرید تیم کامل شده؛ با این حال، تاجرنیا می‌گوید چند روز دیگر ورق نقل‌وانتقالات برمی‌گردد. هواداران اما خسته از وعده‌های تکراری، فقط یک چیز می‌خواهند: عمل، نه حرف.

را به‌موقع پرداخت کند؛ دستاوردی که هر چند کوچک به‌نظر می‌رسد اما در تاریخ پر از حاشیه استقلال، یک گام به جلو محسوب می‌شود.

وقتی از او درباره وعده ساختن «تیم رؤیایی» پرسیدند، پاسخ داد: «این موضوع به من مربوط نیست؛ مذکرها به بازیکن یا مربی وظیفه مدیرعامل و کادر مدیریتی است. وظیفه من ساختارسازی و رفع دغدغه‌های مالی است». در واقع او توپ را به زمین مدیرعامل و تیم فنی وی انداخت و تأکید کرد وعده‌هایش فقط در حوزه مالی بوده، نه خریدهای پرزرق‌وبرق. تاجرنیا در پایان جمله‌ای گفت که می‌تواند کورسوی امید